

جلسه بیست و پنجم اعتقادات

«معاد- باقیات الصالحات و اهمیت آن بعد از مرگ»

۱- معاد- باقیات الصالحات و اهمیت آن بعد از مرگ

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله و الصلاة و السلام على رسول الله و على آله آل الله، لا
سيما على بقية الله روحى و أرواح العالمين لتراب مقدمه
الفداء و اللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين من الآن إلى
قيام يوم الدين»

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ»

هفته‌های گذشته درباره‌ی مسئله‌ی سكراتِ موت و مقداری
از عالمِ برزخ عرایضی عرض شد.

۲- معنای برزخ

به طور کلی برزخ به معنای میانه است، میان هر چیزی را برزخ
می‌گویند و چون عالم برزخ میان دنیا و قیامت است به این
جهت آن عالم را برزخ گفته‌اند.

۳- ساکنان بهشت برزخی

در هفته‌ی گذشته درباره‌ی یک دسته از کسانی که در عالم برزخ قرار می‌گیرند بعد از موت که جمعیت بهترینند و عبارت بودند از کسی که اطاعت خدا و رسولش را می‌کند و قدم در راه تزکیه‌ی نفس با جدّیت برداشته است که مضمون این جمله از آیه است که «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۲ یک دسته این‌ها و یک دسته انبیاء و دسته‌ی سوّم شهداء و دسته‌ی چهارم صالحین و دسته‌ی پنجم صدّیقین، این‌ها در وقتی که از دنیا می‌روند فوراً بدنی از عالم برزخ برای آن‌ها خلقت می‌شود و در

۲ - سوره نساء، آیه ۱۳.

بهشتِ عالمِ برزخ که احتمالاً در آسمان چهارم یا پنجم باشد و از نظرِ روایات یقیناً همان جایی که انبیاء هستند، شهداء هستند این‌ها هم می‌روند.

۴- گروه دوم در عالم برزخ بی‌هوشند

دسته‌ی دوّمی که در عالم برزخ هستند که فهرست‌وار در جلسه‌ی اوّل عرض کردم، این‌ها کسانی هستند که وقتی از دنیا رفتند به خاطر اینکه اعتقادات خوبی دارند، ولایتِ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السّلام را دارند، معتقد به خدا و پیغمبر و دوازده امام هستند و شیعه هستند، این‌ها ولی

معصیت کار یا تزکیه‌ی نفس نکرده؛ این‌ها طبق روایات چون اعتقاداتشان صحیح هست، بالاخره به بهشت می‌روند و در عالم برزخ به خاطر آنکه این‌ها وابستگی‌هایی به دنیا دارند، این‌ها عالم بعد از این عالمشان را درست نکرده‌اند، آباد نکرده‌اند، این‌ها صفات رذیله‌ای دارند، گناه‌کارند و فاسق هستند، این‌ها را خدای تعالی این طور به بهشت قطعاً نمی‌برد و چون شیعه‌ی علی ابن ابیطالب علیه‌السلام و معتقد به خاندان عصمت علیهم‌السلام هستند به جهنم هم طبق احادیث نمی‌روند، پس باید چه کرد؟ ان شاء الله در بحث قیامت عرض خواهیم کرد که این‌ها باید در قیامت تزکیه‌ی

نفس کنند، جبران آنچه که در دنیا انجام نداده‌اند بکنند، ولی وقتی از دنیا رفتند، این‌ها مانند اصحاب کهف، مانند خودتان وقتی که به خواب می‌روید و زمان بر شما نمی‌گذرد و آنچه فکر می‌کنید شب را تا صبح را خوابیدید بعد از بیدار شدن این فکر برایتان می‌آید والا همان طوری که اصحاب کهف فکر نمی‌کردند سیصد سال به خواب بوده‌اند و همان طوری که عَزِیز فکر نمی‌کرد که صد سال مرده است، همان طور آن‌هایی که در قیامت از این دسته از مردم زنده می‌شوند فکر نمی‌کنند که سال‌ها است، صدها هزار سال، میلیون‌ها سال، یا حتی میلیارد‌ها سال از دنیا رفته‌اند فکر

می‌کنند چند دقیقه قبل در خانه‌شان بوده‌اند و حالا هم در
قیامت واقع شده‌اند!

۵- باقیات الصالحات راه نجات گروه دوم از بی‌هوشی

این دسته یک مسائلی دارند. این دسته در عالم برزخ در عین
آنکه اهل تزکیه‌ی نفس نیست و اهل فسق هست یک
کارهایی می‌توانند انجام بدهند، در عالم بیهوشی که در برزخ
دارند کاری خودشان نمی‌توانند بکنند، به هیچ وجه، چون
آدمی که بیهوش است، آدمی که خواب است، این نمی‌تواند
برای خودش اقدامی بکند، امّا الآن اگر یک فردی مثلاً از

خودش باقیات الصالحاتی بگذارد، کاری بکند که مردم بهره‌های معنوی ببرند، مدرسه بسازد، مسجد بسازد، کارهایی که اکثر مردم از آن استفاده می‌کنند انجام بدهد یا فرزندانِ خوبی داشته باشد که بعد از او برایش خیرات بفرستند، بعد از او برایش کارهای نیک کنند، از اموال‌شان، یا از اموالِ خود پدر و مادر استفاده کنند و برای پدر و مادر باقیات الصالحاتی قرار بدهند؛ اگر یک چنین اتّفاقی افتاد و فرزندان این اعمال را برای پدر و مادر انجام دادند، یا خودش در زمان حیاتش کارهایی از این قبیل انجام داد، این شخص ممکن است از بی‌هوشی در عالم برزخ بیدار کند. ببینید یک مثال

می‌زنم تا مطلبی که می‌خواهم بگویم برایتان روشن بشود، یک دوستی دارید، این دوست شما پولدار، به شما علاقمند، شما را به خاطر بعضی از مسائل زندان انداخته‌اند، این شخص که در خارج از زندان است و شما را دوست دارد، می‌برد هر طلبکاری که شما دارید، آن‌ها را می‌بیند و بدهی شما را می‌پردازد، آن‌ها دست از شکایتشان بر می‌دارند و شما آزاد می‌شوید. ممکن است این باقیات الصالحاتی که شما در دنیا گذاشته‌اید، فرزندانِ خوب و صالحی که در دنیا از شما مانده‌اند، این افراد، این باقیات الصالحات، این‌ها ثوابش را پروردگار به حسابتان بریزد، آنقدر حساب شما پُر شود و آنقدر

به شما از طرف رحمان و رحیم توجّه و مهربانی شود که شما را از آن بیهوشی چند میلیون ساله نجات بدهد و ببرند شما را در میانِ همان صالحین، همان دسته‌ی اوّل و در بهشتِ عالم برزخ نگه‌تان دارند و از نعمت‌هایی که آن مردم، شهداء، صالحین، انبیاء، صدیقین، بهره‌مند می‌شوند شما هم بهره‌مند شوید. تن‌ها راهی که ممکن است برای این دسته‌ی دوّم باشد همین است، والاّ خودشان هیچ کاری نمی‌توانند بکنند، اینکه در روایات دارد و زیاد هم اصرار شده که برای اموات خیرات کنید، برای آن‌هایی که از دنیا رفته‌اند قرآن بخوانید، خیرات کنید، نمازشان را اگر نخوانده‌اند، پسر بزرگ

باید حتماً بخواند، روزه‌اش را بگیرد، بدیهی‌هایش را بدهد و خلاصه برایش و برای امواتان خیراتی کنید که بعضی از اوقات این‌ها به خواب انسان می‌آیند، به انسان می‌گویند: خدا خیرت بدهد تا به حال گرفتار بودیم، زیاد از این قضایا شنیده‌اید، تا به امروز گرفتار بودیم از امروز به خاطر فلان عمل تو من را نجات دادند، این نجات دادن و این گرفتاری به وسیله‌ی شمایی که باقیات الصالحاتی او هستید، به خاطر آن بنایی که مردم از آن استفاده می‌کردند و می‌کنند و خدای تعالی حساب شما را دقیقاً دارد و شماره‌ی حساب‌تان را هم می‌داند، فوراً به وسیله ملائکه در حساب شما ریخته می‌شود،

البته میزانش را من نمی‌دانم از روایات هم زیاد استفاده نمی‌شود، ولی آنقدر هست که وقتی آن حساب پر شد به حدّ نهایی رسید، خدای مهربان، خدای عزیز این شخصی که باید حالا در حال بیهوشی بماند و بعد هم که در قیامت زنده شد و وارد بدن شد کلی گرفتاری داشته باشد را در همان علام برزخ از آن حالت بی‌هوشی بیدارش می‌کند. آنقدر معطل گاهی ممکن است یک انسان برای تزکیه‌ی نفس در قیامت بشود که زمان را برایش پنجاه هزار سال تعیین کرده‌اند.

۶- افراد در قیامت

یعنی آن‌هایی که در قیامت می‌آیند، سه دسته هستند: یک دسته «فَرِیقٌ فِی الْجَنَّةِ»^۳ حسابشان صاف، اولیاء خدا هستند و در عالم برزخ این‌ها در بهشت بودند حالا اینجا معطلی ندارند، این‌ها مستقیم می‌روند به بهشت، یک خط کمربندی، خط سبزی از کنار قیامت خدا قرار داده که اولیاء خدا همین پنج دست‌هایی که در هفته‌ی گذشته و این هفته عرض کردم این پنج دسته، تا به قیامت رسیدند بدنشان را بر می‌دارند، لباس‌شان را بر می‌دارند از یک خط کمربندی، خط

۳ - سوره شوری، آیه ۷.

سبز، بدون هیچ معطلی می‌روند به طرف بهشت. یک دسته هم هستند که حساب‌شان صاف است، آن‌ها هم از این طرف، اصحاب شمال‌اند، از این طرف هم یک خط کمربندی قرمز کشیده شده این‌ها هم از این طرف، معاندین، آن‌هایی که هفته‌های قبل برایتان توضیح دادم از این طرف می‌روند به جهنّم، پس پنجاه هزار سال برای کیست؟ برای شما است، خدای نکرده، اگر در دنیا تزکیه‌ی نفس و عدالت را رعایت نکنید، تزکیه‌ی نفس خیلی اهمیّت دارد، یا باید وارد بشوید و جدّی بگیرید- خوب دقّت کنید- مطلب خیلی مهمّ است، یک دسته از این طرف می‌روند بهشت، یک دسته

هم از این طرف می‌روند جهنّم، پنجاه هزار سالی که شما می‌بینید در قرآن گفته، روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، برای چیست؟ برای تزکیه نفس شما است، چرا؟ برای اینکه در بهشت آدم حسود را راه نمی‌دهند، شما بهشتی هستید به خاطر اعتقاداتتان، امّا به خاطر این صفاتی که همین الآن ما در این دنیا داریم، در این دنیایی که چند روزی بیشتر نیستیم و باید برویم و می‌دانیم که قنطره است، پُلی است، محلّ عبور است، این همه دشمنی با یکدیگر می‌کنیم، این همه گناه می‌کنیم، این همه اذیت همسایه می‌کنیم، این همه بزرگانمان را، اهل بیت عصمت و

طهارتمان را اذیت می‌کنیم و می‌کشیم و مسموم می‌کنیم، با همین حال برویم در بهشت؟ آنجا هم همین بساط را پهن کنیم؟! آنجا هم همین مجلات و روزنامه‌ها و سیاستمداری‌ها و به یکدیگرفحاشی کردن‌ها باشد؟! آنجا جای این کارها است؟ آنجا جایی است که دیگر دادگاه نیست، زندان نیست، اذیت و آزار نیست، می‌گوید: بهشت آنجا است کآزاری نباشد کسی را با کسی کاری نباشد

افرادی سر راه خودشان دارند یک قدمی برای خدا بر می‌دارند، حرکاتی دارند، آنقدر تهمت، آنقدر اذیت، آنقدر ناراحتی، چرا؟ برای صفات رذیله‌ای است که در این‌ها

هست، با همین صفات بخواهند وارد بهشت بشوند؟ ابدًا،
بهشت جای اولیاء خدا است، جای آن‌هایی است که در
آسمان، در دوران برزخ بوده‌اند و خودشان را ساخته‌اند در دنیا
و بعد هم در آنجا تمرینش را کردند و بعد می‌خواهند وارد
بهشت بشوند، بهشت خلد است.

۷- دنیا محل غفلت

بر این اساس به من و شمایی که در دنیا خواب بودیم، «النَّاسُ
نِيَامٌ»^۴ علی علیه السلام فرمود، قربانش برویم. مردم همه

۴ - بحار الانوار، ج ۴، ص ۴۳.

خوابند، حالا نگوئید ما الحمد لله دوران یقظه را گذرانده‌ایم، در شبانه‌روز چقدر به فکر خدا و قیامت هستید و چقدر به فکر مادّیت و دنیایتان هستید؟ مردم همه در خوابند، هر کاری که می‌کنند به فکر نتایج و آینده‌اش نیستند، آدم بیدار کاری که می‌کند حتماً و حتماً باید به فکر نتیجه‌اش باشد، تو یک ساعت کار کردی به اندازه‌ی همان یک ساعت باید بهره‌برداری کرده باشی، کارهای بی‌فایده، من نمی‌خواهم انگشت بگذارم روی کارهایی که ما در دنیا همین ماها انجام می‌دهیم، برای اینکه می‌ترسم، می‌ترسم بگویند: فلانی، هنوز هیچ کاری نشده می‌گویند که فلانی مردم را از دنیا دور

می‌کند! مردم از دنیا دور نمی‌شوند خیالتان راحت باشد،
ماشین مردم در دنیا و به سوی دنیا در سرازیری است، اگر
می‌بینید اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مردم را به
طرف دنیا هُل نداده‌اند چون ماشینی که در سرازیری است به
طرف سرازیری هُلش نمی‌دهند، سقوط می‌کند، باید حتماً
ترمزش کنند، ترمزش هم این است که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْحَيَاةُ
الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ»^۵ دنیا بازی است، بیهوده است، جای ماندن
نیست، این دنیا را خدا می‌داند، من الآن خودم، حُب مسن
شدم فکر می‌کنم وقتی که سن پنج ساله یا شش ساله بلکه

۵ - سوره محمد، آیه ۳۶.

پایین تر بودم خیلی همین دیروز بود، این هم تمام می شود، زود می گذرد، این آدمی که در این دنیای کوتاه و کوچک و محدود به تمام معنا اینجا نتوانسته خودش را حفظ کند، نتوانسته دزدی نکند، من همین امروز به یکی از دوستان می گفتم: هر کسی یک نوع دزد است، یکی از کارش می دزد، یکی از - نمی توانم عرض کنم - باور کنید یک وضع بدی ما داریم در این دنیا، اگر با همین حال برویم در بهشت، خب آقا! تو این تکه باغ بهشت را از کجا آوردی؟ خدا داده، چرا به ما نداده؟ برو آن طرف، جاده ی من، راه من، درخت من، دیوار من، می بینید دیگر، همین هایی که در دنیا هست، همین ها،

همین‌ها آنجا بخواهد پیاده بشود، ابداء، مگر می‌شود؟ آنجا حاکم خدا است، «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^۶ و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام فرمانبرداران خدا هستند و مجریان امور و شما هم آنجا، یکی می‌گفت: در بهشت حالا یک روز، دو روز، ده روز، یک سال، دو سال آدم خسته می‌شود! نه، خسته نمی‌شوی، اینقدر جا هست، آنقدر گردشگاه هست، آنقدر وسایل مختلف برای تفریح هست که ان شاء الله عرض خواهم کرد. من به خاطر اینکه بحثم را بتوانم به یک جایی برسانم، می‌روم جلو و باید همین جا

۶ - سوره غافر، آیه ۱۶.

۸- فرزند صالح از جمله باقیات الصالحات

این مطلب را امروز در مورد سکرات موت را خدمتتان عرض کنم. اگر می‌توانید در مرحله‌ی اوّل کسانی را از فرزندان‌تان آنچنان تربیت کنید که خیالتان بعد از خودتان راحت باشد، بدانید که آن‌ها کاری که شما می‌خواستید کنید برایتان انجام می‌دهند، «يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»^۷ خدایا یک ولی‌ای برای من قرار بده که هم از من ارث ببرد، هم از آل یعقوب ارث ببرد. یک کسی مثلاً فرض کنید فرزند صالحی دارد یک بچه را

۷ - سوره مریم، آیه ۶.

وقتی که پدر و مادری در عذاب بودند فرستادند برای مکتب‌خانه، آن وقت‌ها وقتی بچه را می‌فرستادند مکتب‌خانه و مدرسه، اوّل «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» به او یاد می‌دادند، می‌گفتند بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و معنی «بِسْمِ اللَّهِ» را به او تعلیم می‌دادند، آن وقت‌ها. و این بچه رفت و گفت، خدا عذاب را از پدر و مادر آن بچه برداشت، در عالم برزخ از اهل عذاب بودند، خدا عذاب را از آن‌ها برداشت، ملائکه سؤال کردند: علّت چیست؟! خدای تعالی فرمود: پسر این مرد، پسر این زن من را به رحمانیت و رحیمیت نام برده، من چطور مادر و پدرش را عذاب کنم؟! ببینید تأثیر دارد.

بچه‌هایتان را خوب تربیت کنید، خوشا به حال آن‌هایی که
فرزندانشان را آنچنان تربیت کرده‌اند که اهل قرآن‌اند، اهل
کلام خدایند! یک عده این طوری هستند، فرزندان خوبی
تربیت کردند، خوشا به حالشان! بهترین خیرات بعد از
خودش انسان، فرزند تربیت کردن و فرزند خوب داشتن است،
حالا چطور فرزند خوبی تربیت کنیم؟ این را دیگر باید جدا یاد
بگیرید، جدا درس بگیرید.

۹- ساخت مسجد و امامزاده از باقیات الصالحات

و دوّم اینکه انسان مساجدی را اگر امکانات دارد بسازد، مسجد بسیار کار خوبی است، ساختمان مسجد، جایی که مردم عبادت کنند، جایی که مردم در آنجا نماز بخوانند، جایی که متوجّه خدا بشوند، این هم خیلی خوب است، چون این یک خیرات دائمی است، اگر نمی‌توانید، پولش را ندارید یک مسجد تنها بسازید، یک مرد باشید، وسط بیافتید، ببینید در یک محلی در یک دهی، در راهی، در سر مثلاً راهی که مسافرین دارند حرکت می‌کنند، دسته جمعی یک مسجد بسازید و بگذارید مردم استفاده کنند، خیلی عجیب است

این جهت در سعادت انسان و نجات از عالم برزخ به بهشت
برزخی و در کنار اولیاء خدا قرار گرفتن! خدای تعالی این
انسان را، اینکه خودش خواب است، اینکه برای خدا قدم
برداشته، اصحاب کهف شما در حالاتشان نگاه کنید، شاید
آنچه که این‌ها کار کردند یک مدّت کوتاهی بود تصمیم
گرفتند خداپرست باشند، ایمان به خدا پیدا کردند و بعد هم
در مقابل دقیانوس ایستادند و بعد هم خدا بُردشان در آن غار
و این‌ها را به خواب کرد، بقیه‌اش دیگر کار خدا است،
«وَنُقَلِّبُھُمْ ذَاتَ الْیَمِینِ وَذَاتَ الشِّمَالِ»^۸ این‌ها را این طرف و آن

۸ - سوره کهف، آیه ۱۸.

طرفشان می‌کردند، که یک طرف بدنشان روی زمین می‌ماند
نیوسد، آفتاب را طوری تنظیم کرده خدای تعالی - این‌ها که
به فکر نبودند - که بر این‌ها بتابد و این‌ها کاملاً در رفاه و
حساب‌شان را هم آنقدر خدا پول ریخت به اصطلاح ما در
حساب‌شان که وقتی بلند شدند از اولیای خدا بودند که خدا
در قرآن این‌ها را به عنوان جوانمرد «فِثِه اَمْنُوا بِرَبِّهِمْ»^۹ این‌ها
یک جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان داشتند،
همین. خیلی خدا از شما کار نمی‌خواهد، یک کاری کنید که
این حساب‌تان درست بشود، بدی‌هایتان رفع بشود، خوبی‌ها

۹ - سوره کهف، آیه ۱۳.

را جمع کنید، آنچه خوب است شما باید داشته باشید.
انسانید، اراده دارید، با همت باید کار کنید، اینکه من عرض
می‌کنم مکرّر هم گفته‌ام: جدّی باشید برای همین است،
مسجد بسازید.

یک امامزاده‌ای دیدید مخروبه است، جمع بشوید درستش
کنید، امامزاده‌ها، اگر امامزاده‌ای آن‌جا دفن شده باشد که
فرزند پیغمبر است دو فایده دارد، یکی اینکه اینجا می‌آیند
نماز می‌خوانند یکی دیگر هم اظهار محبّت به خاندان
عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌کنند، این اظهار محبّت
است، دم درِ یک امامزاده‌ای که می‌ایستید می‌گویید: «اللهم

إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ» من در دَرِ خانه‌ای ایستاده‌ام که این خانه مال پیغمبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله است، «بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ نَبِيٍّ»^{۱۰} در یک خانه‌ای ایستاده‌ام که این خانه خانه‌ی پیغمبر تو است، خانه‌ی فرزندان پیغمبر خانه پیغمبر است، امامزاده را تعمیر کنید. من همین امروز با یکی از دوستانی که یک وقتی رفته بودیم در شهرشان، دیدیم یک امامزاده‌ای را نیمه تمام گذاشته‌اند، و از همین جا من الآن چون دوستان مان در مجلس هستند، الآن توصیه می‌کنم رفتید باز ان شاء الله امامزاده را بسازیدش، این امامزاده نیمه تمام است،

۱۰ - مصباح کفعمی، ص ۴۷۲.

تازه هم بنایش کرده بودند، گفتیم: آقا چرا بقیه‌اش را
نساختید؟ گفتند: یک آقای اینجا را گفته که این امامزاده
معتبر نیست! گفتم حالا مسجد بسازیدش، معتبر نیست،
مگر می‌خواهی چه کار کنی که معتبر باشد یا معتبر نباشد،
آمدی خانه‌ی پیغمبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله و اظهار ارادت به
رسول اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله می‌کنی و حتّی آن شخصی که
تا آن مقدار ساخته بود ظاهراً بچّه‌اش مریض سختی بود نذر
کرده بود که این ساختمان را بسازد ببینید بعضی‌ها چطورند،
گفته بود: نسازید، نه، من دارم عرض می‌کنم بسازید، ولو یقین
داشته باشید امامزاده‌ی معتبر نیست، هیچ طور نمی‌شود،

چطور می‌شود مثلاً؟ حالا همه‌ی این امامزاده‌هایی که در این مملکت هستند و هر جا امامزاده هست آن محلّ از محله‌های مشابه‌اش مردم متدین‌ترند، شما بروید قم ببینید به خاطر وجود مقدّس حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها و چهارصد و چهل امامزاده‌ی دیگر که عمده‌اش حضرت معصومه سلام‌الله‌علیها است، چه شهر مذهبی بوده، از روزی که این شهر بنا شده؛ یعنی از زمان امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا به حال در این شهر یک نفر مخالف خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام زندگی نکرده، همه شیعه، همه با محبّت، حتّی در روایات دارد که آن‌ها حجّت بر شما هستند،

حضرت عبدالعظیم بروید، اطراف حضرت عبدالعظیم اگر
هم یک وقت یک مسائلی در آنجا می بینید از تهران شما
می رود آنجا، والا مردم آنجا مردم پاک، خوب و اکثر جاهایی
که امامزاده دفن است، من خیلی نگاه کردم، یک امامزاده‌ی
معتبری آنجا دفن باشد، گنبدی، گلدست‌های، تشکیلاتی
داشته باشد، مردم آن محل بهتر از مردم محلّ مشابه این
است که امامزاده ندارند. این‌ها را درست کنید. هر مقدار
طاقتش را دارید، یک وقت فکر نکنید خوب من کم پول دادم،
و کم قدرت داشتم پس بنابراین خدا به حساب من
نمی‌گذارد، نه، هر کسی به اندازه‌ی قدرتش خودش کار بکند،

خدای تعالی مثل آن کسی که همه‌ی کار را کرده به او اجر می‌دهد،

۱۰- نگهداری از ایتام جزء باقیات الصالحات

یک تشکیلاتی بنا کنید، به ایتام برسید، مخصوصاً به ایتام، نمی‌گویم یتیم‌خانه و پرورشگاه و این طور چیزها بسازید، چون یک چیزی را به شما بگویم از نظر روانی، از نظر اخلاقی آن کاری که در صدر اسلام انجام می‌شد برای ایتام بهتر است از آنچه که ما امروز انجام می‌دهیم. در صدر اسلام همه‌ی اقوام، خویشاوندان، همه با هم مرتبط بودند تا

می‌دیدند یک شخصی از دنیا رفت، چند تا بچه‌ی خردسال در خانواده‌اش مانده، هر کدام یکی از این بچه‌ها را می‌بردند با کمال احترام او را نگهداری‌اش می‌کردند، یا حتی زنده بود پدرشان ولی می‌دیدند که این نمی‌تواند این بار زندگی را بکشد، می‌بردند. یک آقای مثلاً فرض کنید پنج تا دختر دارد، همه هم نزدیک بخت و باید عروس بشوند و نمی‌تواند با این رسوماتی که ما امروز داریم از نظر جهیزیه و چه و فلان، نمی‌تواند، خب یکی از شما تقبّل کنید تمام زندگی را تأمین کنید، آن یکی تقبّل کند آن یکی، در یک فامیل این کار را کنید، بگویید نمی‌توانیم نیست! نمی‌خواهید، تنبلیم، این

طوری، برسید. حضرت ابیطالب فرزندان متعدّدی داشت، اقوامش دیدند که نمی‌تواند همه‌ی این‌ها را خوب اداره کند، حضرت عباس عموی پیغمبر با حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله رفتند خانه‌ی ابیطالب، آقا بچه‌های را به ما بده ما ببریم خانه، جعفر را دادند به حضرت عبّاس، علی ابن ابیطالب علیه‌السّلام هم نصیب پیغمبر شد، آوردند خانه‌ی خودشان، بچه‌ها را در خانه ببرید نه به عنوان خدای نکرده نوکری و کُلفتی، حالا می‌رویم یک بچه‌ای را می‌آوریم خب بالاخره بازار و کوچه‌مان را می‌رود! نه، به عنوان مهمان، به عنوان پذیرایی شونده، به عنوان کسی که باید او را پذیرایی

کرد، خوب این کارها را کنید، کارهایی از این قبیل که مؤثر است برای نجات از عالم برزخ، چه آن قسمتی که در عذابند و معاندند چه در قسمت خواب و بیهوشی، همین‌ها است، این کارهای خیر را کنید. با مردم خوشرفتاری کنید.

۱۱- رفع حزن و اندوه از جمله باقیات الصالحات

خدا رحمت کند این استاد ما، که من - چه عرض کنم - سبب شدم که خدای نکرده بعضی‌ها به او توهین کنند و من واقعاً گاهی تعریف زیادی از او نمی‌کنم، حسودند، نمی‌خواهند بفهمند که انسانیت یعنی چه؟ ایشان به من

می گفت که- ما را تحت تربیت خودش می خواست قرار بدهد، می گفت: هیچ کس را محزون نکن و مقید باش روزی پنج نفر را خوشحال کنی ولو به سلام کردن، به قدری این نشاط آور بود این کار برای من در همان سنین جوانی که حساب نداشت، خب من چیزی نداشتم، می رسیدم به یک نفر، آقا «سلام علیکم» این خوشحال می شد، لبش متبسم می شد، می گفت و علیکم السلام، بارک الله تو پسر چه کسی هستی؟ می رسیدم به یک نفری، مثلاً حالا یک پول مختصری داشتم، می دیدم گرفتار است، فقیر است، می دادم، همین طور، نگذارید کسی از دست شما محزون بشود، این حزن یک

تأثیر بسیار بدی در وجود انسان دارد، البتّه اشتباه هم نشود،
مؤمنین را محزون نکنید، مسلمین را محزون نکنید، بی‌گناه را
محزون نکنید، مظلوم را محزون نکنید و الاً تمام مردم دنیا
همه‌ی آن‌هایی که مخالف دین ما هستند از ما محزون‌اند که
چرا ما به طرف دین آن‌ها نمی‌رویم و حتّی از این بدتر، پیغمبر
اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله را یهودی‌ها می‌خواستند به طرف دین
خودشان بکشانند.

۱۲- تأثیرات تلقین مثبت و منفی

مردم را خوشحال کنید، با کلامتان، «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»^{۱۱} با کلامتان مردم را سر حال بیاورید. رسیدید یک نفر که از رفقا محزون هست، پرسید: آقا چه ات هست؟ من یک کسالتی دارم سخت است، خدا حفظ کند این دکترهای ما را همین که وقتی می خواهند یک مریض را معالجه اش بکنند، من به یک دکتری از رفقا بود گفتم: چرا اینقدر سختش می کنید؟ گفت: اگر ما سخت نکنیم و هی به آنها فشار نیاوریم، از عاقبت بد این مرض نترسانیم آنها را، دوا

۱۱ - سوره بقره، آیه ۸۳.

نمی‌خورند، دوایشان را نمی‌خورند، گفتم: خب نخورند! بمیرند
بہتر از این طوری است کہ تو یک غدّہ‌ای اینجایت هست و
این بدخیم ہم هست، کہ ما یکی دو تا از ہمین افراد را
داشتیم کہ بی‌معطلی کشته‌اند. یک نفر از اقوام ما بود، روی
بازویش یک غدّہ‌ای بود کہ آن وقت‌ها کہ ما بچہ بودیم اگر
بچہ‌ها می‌خواستند اذیتش کنند بہ این غدّہ‌اش دست
می‌زدند و درد می‌گرفت، این بزرگ شد، دارای فرزندان و
این‌ها، هیچ طوری نشده بود، یک بار رفت نزد طبیبی، این
طبیب گفت: این غدّہ‌ی تو سرطان است و بدخیم ہم
هست، گفتیم: عجب بدخیمی است کہ اینقدر خیمی‌اش

طول کشیده تا بدی‌اش را اظهار کند، هیچ، این بنده خدا همین طور افتاد در بستر، عملش کردند، بریدند، قطع کردند و کشتند، بالاخره من نمی‌گویم کشتند چون ممکن است بفهمند خیلی وقت است البته این جریان که کی بوده، آقا این کارها چیست؟ «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^{۱۲} آقایان! این یک آیه را همیشه در ذهنتان باشد.

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» حضرت یحیی بن زید نوهی امام سجاد علیه‌السلام در سرخس قیام کرد، آن متوکل بن هارون از خدمت امام صادق علیه‌السلام آمده بود، حضرت

۱۲ - سوره طلاق، آیه ۳.

صادق علیه السلام یک مطلبی برای جلوگیری از فسادى که ممکن بود پیش بیاید به این متوکل بن هارون گفته بودند و این هم نمى خواست به حضرت یحیی بن زید بگوید، یحیی بن زید پرسید که امام صادق علیه السلام درباره‌ی من چه گفت؟ بعضی‌ها مى‌خواهند غیبت کنند، مى‌گویند آقا غیبتش نباشد، یا مثلاً آقا راجع به فلانى حرف نزنید به غیبت مى‌افتیم، این‌ها بدتر از غیبت است‌ها، ایشان هم گفت یک چیزی گفت حضرت که من نمى‌خواهم به تو بگویم، خب نمى‌خواهی بگویی نگو اصلاً، بگو هیچ، گفت، این اصرار کرد، ایشان هم گفت، گفت: حضرت فرمودند تو را هم مثل

پدرت به دار می‌زنند و موفق نمی‌شوی، خوب چه گفت
یحیی بن زید؟ یحیی بن زید گفت: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ
وَيُثْبِتُ» یعنی خدا کلام امام صادق علیه‌السلام قضاء است
ممکن است خدا عوضش کند، «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ
وَعِنْدَهُ أَمَ الْكِتَابِ»^{۱۳} اگر به شما طیبی گفت آقا دو روز دیگر،
یا سه روز دیگر می‌میری بگو تو اگر از غیب خبر می‌داشتی
که خدا بودی، «لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ»^{۱۴} با کمال قدرت باید انسان
ایستادگی بکند، اراده دارد، شخصیت دارد، به هر حال
کوشش کنید که مردم را نرنجانید، حتّی من به دوستانی که ما

۱۳ - سوره رعد، آیه ۳۹.

۱۴ - سوره انعام، آیه ۵۹.

یک وقتی دویست نفر از دانشجویان دانشکده‌ی پزشکی در مشهد پیش من درس عقاید می‌خواندند و به همه‌شان، حالا هر کدامشان یک دکترهای خیلی مهمی هم شدند شاید بعضی‌هایشان هم یادشان نباشد که پیش ما درس عقاید خواندند، این‌ها را به آن‌ها توصیه می‌کردم هر طوری هست روحیه بدهید به مریض و از این راه خیلی استفاده شده، ان شاء الله کوشش بکنند دوستان اطّباء ما اگر صدای ما را شنیدند تا می‌توانند روحیه به مریض بدهند و نگذارند محزون بشود، یک مریضی را خود من بردم پیش یک طبیبی، این بنده خدا گفت: که آقا تو چطوری آمدی بالا از این پله‌ها؟

مگر چه شده، کسی حالا همراهت هست، بله فلانی هست،
آمد در گوش من گفت: این را آرام آرام ببرش پایین، حالا بالا را
رفته طوریش نشده، ببرش پایین، گفتیم مگر چه گفت؟ قلبش
خیلی خراب است، آمد به خودش هم گفت، آقا این بنده
خدا نمی‌توانست برود پایین، باور کنید تأثیر دارد تلقین
آقایان، تلقین مثبت، تلقین منفی هر دویشت تأثیر دارد، به
مریض می‌رسید، تو که چیزیت نیست، نه آقا من دلم درد
می‌کند، خب بیا من یک دعا بخوانم دل‌دردت خوب
می‌شود. دعا هم حالا بهترین دعاها هم - اثر دعا از بین نرود -
اینکه می‌بینید ما گاهی آهسته دعا می‌خوانیم برای این است

که اگر شما بشنوید و ببیند ما پنج تا صلوات فرستادیم که
بهترین اکسیر است برای معالجه امراض، شما می‌گویید:
چیزی نخواند! همان رَمّال سر کوچه خودمان، باز اقلّ یک
خرده چشم‌هایش می‌رود و یک خرده سرش گیج می‌رود، او
بهتر است! خوب بله، ایمان نداریم، شما همه شما این طوری
باشید ان شاء الله مریضی دیدید بگو آقا چیزی نیست، روحیه
بدهید به مریض، هر طوری که می‌توانید، هر طوری که
می‌توانید و ان شاء الله اطباء بیشتر تأثیر دارد حرفشان، خیلی
بیشتر تأثیر دارد، آقا چیزی نیست.

۱۳- زاد و توشه آخرت

خیلی آقایان برای آخرتتان، برای عالم برزختان کوشش کنید که زاد و توشه‌ای تهیه کنید، زاد و توشه همین‌ها است، «تَجَهَّزُوا»^{۱۵} مجهّز بشوید، زاد و توشه داشته باشید، وقتی از دنیا انسان می‌خواهد برود، بله آن مسجد را ساخته، آن امامزاده را ساخته، آن کار خیر را کرده، مردم همه، اینکه می‌بینید در روایات دارد که اگر چهل نفر بگویند: خدا رحمتش کند آدم خوبی بود، چهل نفر و معارض هم نداشته باشد، اگر چهل نفر هم کنارش بگویند: خدا لعنتش کند

۱۵ - امالی مفید، ص ۱۹۸.

خوب شد مُرد، این آن را باطل می‌کندها، شما چهل نفر
بگویند این آدم خوبی بود، آزارش به کسی نمی‌رسید، ما خوبی
از او دیدیم، «اللهمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا»^{۱۶} این را واقعاً
بگویند، خدا اگر این بدترین آدم‌ها باشد خدا می‌بخشد او را،
این طوری باشید. امیدوارم برای عالم آخرت‌مان ان شاء الله
بهترین زاد و توشه را تهیه کنیم و قبل از اینکه به قیامت برسیم
خدای تعالی ما را از عالم بیهوشی، عالم گرفتاری چون وقتی
انسان در قیامت از آن خواب و از آن بی‌هوشی نجات پیدا
می‌کند، اوّل گرفتاریش شروع می‌شود، نجات مرحمت بفرماید

۱۶- کافی، ج ۳، ص ۱۸۴.

و ما را همه مان را ان شاء الله در عالم برزخ به بهشت برزخی وارد کند و با آن‌هایی که خدا به آن‌ها نعمت عنایت کرده محشورمان بفرماید.

این ایام شاید دوستان چون اکثرشان، با تاریخ‌های شمسی آشنا هستند اطلاع از تاریخ‌های قمری نداشته باشند، در روز دهم ماه ربیع الثانی دو مرتبه حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مورد حمله واقع شده، یک دفعه به وسیله شوروی‌ها و یک مرتبه هم به وسیله رضاخان ملعون، دفعه‌ی دوّم شاید در سال هزار و سیصد و چهارده بوده که برای کشف حجاب، همین کاری که حالا ما خودمان داریم

انجام می‌دهیم، آن روزها مردم غیرت داشتند، یک مردی با
زنش دعوايش بود که چرا این خانم از وقتی که آمده پیش شما
حجاب دارد؟ چقدر آدم بی‌غیرت می‌شود، خوب حجاب
دارد به تو چه ضرری دارد؟ پیش تو که حجاب ندارد، واقعاً
بعضی‌ها بی‌غیرتند. برای کشف حجاب دو هزار نفر را در
مسجد گوهرشاد و حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام
کشتند، لذا وقتی دعبل خدمت حضرت علی بن موسی
الرضا علیه‌السلام رسید حضرت فرمودند من یک شعر
می‌دهم به تو، تو این را وصل به شعرهایت بکن، وقتی که
گفت: قبری در بغداد هست، «لِنَفْسٍ زَكِيَّةٍ» حضرت فرمود:

این همین جا، جایش است: «وَقَبْرِ بِطُوسٍ يَالَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ»^{۱۷}
قبری در طوس هست چقدر مصیبت، این قبر باید داشته
باشد تا زمانی که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تشریف بیاورد
و این مصائب را برطرف کند، «الَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا
سُلْطَانِ يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ
رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ
بَرَكَاتُهُ»

«نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِأَعْظَمِ اسْمَائِكَ وَ بِمَوْلَانَا
صَاحِبِ الزَّمَانِ يَا اللَّهُ، يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا اللَّهُ وَ يَا

۱۷ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۳۹.

اللّٰهُ و یا اللّٰهُ و یا اللّٰهُ و یا اللّٰهُ و یا اللّٰهُ» عصر دوشنبه است
و اعمال ما به محضر مقدّس امام زمانمان عرضه می‌شود.
خدا را به رحمانیت و رحیمیتش قسم می‌دهیم که قلب
مقدّس امام زمان ارواحنافداه را از ما راضی بفرماید، فرج آن
حضرت را برسان. خدایا همه‌ی ما را از بهترین اصحاب و
یارانش قرار بده. قلب مقدّسش را از ما راضی بفرما. خدایا
گرفتاری‌های شیعیان علی ابن ابیطالب علیه‌السّلام را برطرف
بفرما. پروردگارا توفیق تزکیه‌ی نفس و ورود در آن جمعی که
«وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» به ما مرحمت بفرما. پروردگارا کارهای
خیر به وسیله‌ی ما در این دنیا، در این مدّتی که در دنیا

هستیم توفیقش را مرحمت بفرما. امراض روحی مان شفا
عنایت بفرما. مرض‌های بدنی مان را خدایا برطرف بفرما.
مریضه‌ی منظوره، مریض منظور الساعه لباس عافیت
پیوشان. امواتمان غریق رحمت بفرما. شهدایمان، امام
راحلمان غریق رحمت بفرما. عاقبتمان را ختم بخیر بفرما. «و
عَجِّلْ فِي فَرَجِ مَوْلَانَا»